

## تبادل پلنگ مازندران و ببر سیبری

سال ۱۳۸۸ بود که موضوع تبادل دو قلاده ببر سیبری با دو قلاده پلنگ مازندران مابین ایران و روسیه کلید خورد. اهمیت این موضوع بدان جهت می‌باشد که صد سال است که کوهستان‌های روسیه از وجود پلنگ خالی شده و پلنگ روسی منقرض گردیده است؛ و از طرف دیگر نیز حدود ۵۰ سال است که با انقراض ببر مازندران مصادف شده‌ایم. این تفاهم و معامله بین ایران و روسیه عملی شد و در سال ۱۳۸۹ تبادل انجام گرفت و یک جفت ببر آمد و یک جفت پلنگ رفت. اگر چه این توافق خوب بنظر می‌رسید و با اجرای آن، هم ایران صاحب ببر جایگزین در مازندران می‌گردید و هم روسیه می‌توانست جانور پلنگ را بر کوهستان‌های خود ببیند. اما از همان هنگام مخالفت‌های زیادی از سوی کارشناسان ایرانی با این تبادل صورت پذیرفت و می‌گفتند؛ ببر سیبری دست‌آموز در باغ وحش‌های سراسر دنیا وجود دارد و بدون تبادل نیز این گربه‌سان در دسترس است و به راحتی می‌توان ببر سیبری را به ایران آورد. اما پلنگ ایرانی گونه کمیابی است و خروج حتی یک قلاده پلنگ از طبیعت کشور لطمات جبران‌ناپذیری بر موجودیت آینده این گربه‌سان ارزشمند در ایران می‌زند.

به هر روی پس از اجرای انتقال به کشور، قرار بود ببرها به زیستگاه میانکاله مازندران منتقل گردند؛ ولی به جهت آماده نبودن محل نگهداری حیوانات، مقرر شد تا چند وقتی ببرها در تهران نگهداری شوند. ولی همانطور که در بسیاری امور ثابت کرده‌ایم از بکارگیری مدیریت مطلوب ساقط می‌باشیم و کلا در شیوه‌های مدیریت ضعف مفرط داریم؛ در این خصوص نیز در مرداب بی‌تدبیری گرفتار شدیم و به دلیل سهل‌انگاری در خوراک ببرها که از گوشت الاغ مسموم مصرف نمودند، ببر نر دچار بیماری مسمومه شد و در اولین اتفاق، ببر مزبور از دست رفت. با این رخداد و ضربه سنگین به سرمایه ملی، شوربخانه زنجیره بی‌تدبیری ادامه پیدا کرد و ببر به جا مانده ماده به قرنطینه سپرده شد. اقدامی که مورد تأیید کارشناسان حوزه محیط زیست نبوده است و اینک پس از گذشت پنج سال وضعیت ببر مذکور در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و مشخص نیست که؛ آیا این قلاده ببر نیز دچار بیماری مسمومه می‌باشد یا خیر؟ آیا ببر زنده است؟ آیا ببر ماده در وضعیت مناسبی بسر می‌برد؟ آیا ببر باقی مانده زنده می‌ماند؟ اگر زنده ماند، آینده ببر چه خواهد بود؟ البته سوالات دیگری نیز مطرح نظر می‌باشند که به واقع پاسخ مستدلی در دست نیست.

یقیناً سرانجام این تبادل به جایی رسیده که هدف‌های از پیش تعیین شده در باره ببرهای وارداتی به نتیجه نرسیده و هیچ آینده‌درخشانی متصور نمی‌باشد. ولی در سمت دیگر سناریو، دو قلاده پلنگ صادراتی به روسیه توله دار شده‌اند و اهداف محیط زیست روسیه به نتیجه دلخواه نائل گردیده‌اند. برآستی این اختلاف در حصول به نتیجه چه معنائی دارد؟ دلایل و عوامل زیادی از طرف کارشناسان مطرح می‌باشد؛ اما این نوشته دست‌بکار طرح نظرات کارشناسی در این مورد نیست. زیرا که ما ایرانیان عادت دیرینه داریم که در آسیب‌شناختی و عارضه‌یابی به انحراف حائل شویم و عارضه‌های واقعی در بسترهای معضلات و مشکلات را که ریشه در مدیریت نادرست و غیر اصولی دارد، به بی‌توجهی بسپاریم و علت‌های جانبی را دلایل اساس قلمداد کنیم. این روش شناختی از بسترهای بررسی و مطالعه، پیوند در گذشته‌های دور دارد و معمولاً در شناخت‌شناسی بسترهای عارضه و آسیب به جد مشکل داریم. باید دانست که این رخداد به علت نداشتن محقق و کارشناس زبده نیست، بلکه نطفه آن دقیقاً در بینش و نگرش ذهنی کارشناسان و مدیران می‌باشد. ایران ما از منظر دارا بودن کارشناس و متخصص در زمینه‌های مختلف، وضعیتی مناسبی دارد.

و در بسیاری حوزه ها علم زمینه‌ای خوبی داریم ولی مهمترین مسئله در این میان، نبود درک و شناخت در انگارراهه های نظریه پردازی و مدیریت اجرائی کشور است که متاسفانه هویت های مدیریتی لوث می‌شوند و استنتاج و استنباط ذهنی مدیران خط مطلوب را نمی‌پیماید. گواه مدعای خودم هم وضعیت امروزین ایران در همه عرصه ها و حوزه های مدیریتی است؛ که نمی‌توان مطلوبیت را مشاهده نمود. برای اثبات نظریه "نبود کارشناسی متقن در فرایند مبادله" به چند نکته اشاره می‌گردد؛ و در نظر است با بهره از این رخدادها، قضیه مزبور اثبات گردد.

- یکی از علت های انقراض ببر مازندران، تغییر اجباری زیستگاه و از دست رفتن طعمه دم دست بود. متاسفانه این نقیصه کماکان پا برجاست و بستر زیست جانوری عاری از پوشش جانوری طعمه برای گربه سانان می‌باشد
- با بسط حضور مردم در تمامی گستره جنگلی شمال کشور و غصب فضای زیست جانوری، در حال حاضر امنیت کافی برای زیست گربه سانان از جمله پلنگ مهیا نمی‌باشد و در وضعیت فعلی امکان زیست عادی و نسل گیری از این گونه جانوری ساقط شده است
- به دلیل اشباع محیط زیست حیوانات از وجود آدمی، ضمن اینکه محیط مملو از آلودگی های شدید شیمیائی و فیزیکی گردیده، بلکه آلاینده‌گی رو به تزاید است
- بیرهای روسی تبادل شده از نوع دست آموز می‌باشند و چون از محیط کوهستان برداشت نشده‌اند، لذا از خوی وحشیگری ذاتی تهی بوده و قاعدتا فاقد هویت زیست در شرایط محیط کوهستان و جنگل می‌باشند
- پلنگ ایرانی تنها نسل بازمانده از نسل اصیل پلنگ آسیائی می‌باشد و به همین علت بوده که روسیه اصرار شائبه داری برای تبادل داشته تا گونه کمیاب پلنگ را در کوهستان های خود بازپروری نماید
- با محرز بودن آلودگی های بسیط در محیط زیست جانوری، آلوده شدن کالبدی گوشخواران دور از انتظار نیست و با اینکه حیوانات گوشت خوار در راس هرم جانوری قرار دارند، این حاصل جمع آلاینده‌گی در بستر گربه سانان حتمیت دارد
- بنابه تعبیر کارشناسی موجود، پایانه حفظ محیط زیست در ایران قابلیت کارآمد و ظرفیت مستعدی برای حفظ کولونی گیاهی ندارد. حال آنکه مدیریت منابع جانوری خیلی مشکل تر از حوزه گیاهی می‌باشد و با این وصف مطمئنا استعداد مدیریتی موجود توانمندی صیانت از سامانه جانوری در کلان بستر را اصلا ندارد.
- به جهت دلالت های عملکردی مستقل از سوی برخی سازمان های دولتی، بنظر می‌رسد که نبود مدیریت یکارچه نقطه ضعف مهم در این حوزه کارکردی است

با توجه به جمیع جهات طرح شده در بالا و اینکه به کرات در زمینه پایش زیست جانوری به مشکلات زیادی برخوردیم، لذا در راستای یک قاعده کلی، مدیریت حفاظت از محیط زیست ایران توانمندی نگرشی، نظری و عملیاتی بهره ورانه و نتیجه گرا در این حوزه ندارد. این فرایند مبهم در هویت مدیریتی محیط زیست گواه از این دارد که پروسه تبادل ببر و پلنگ، فرایندی مجهول و پر از مسئله بوده و مدیریت اصولی برقرار نشده است:

- ۱- با آنکه طرف روسی مطالعه بستری در این مورد داشته و لذا پیشنهاد دهند بوده، اما در سمت ایران مطالعه و بررسی انجام نگرفته و شاید تابع عامل های سیاسی بوده است.
- ۲- فرایند مبادله هویتی کور داشته و طراحی اهداف نشان از عدم بررسی تطبیقی امور بوده است. سر در گمی امروز نیز پیامد همان نبود نگرش استراتژیک در فرایند تبادل بوده است.
- ۳- ضمن اینکه نواقص مدیریت مبادله، پیوند هویتی در کلان مدیریت کشوری دارند، ولی بی دریغ نمایه های پیش پا افتاده از خطا در آن موج می زند.
- ۴- همانطور که معمولا در بکارگیری اصول رویکردی مدیریت گرائی نقصان داریم، در این فرایند کلان مدیریتی نیز از اصول رویکردی مدیریت هزینه ها ، مدیریت یکپارچه ، مدیریت بهینه ، مدیریت هدفمند ، مدیریت منابع ، مدیریت خردگرایانه ، مدیریت استدلالی و مدیریت هوشمندانه تخطی نموده ایم.

احمد علینقی ۱۳۹۵/۰۳/۱۸

[www.ahmadalinaghi.com](http://www.ahmadalinaghi.com)